

A comparison of personality characteristics and coping styles in criminal and normal subjects

مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های مقابله‌ای مجرمین با افراد بهنجار

Mirtaghi garousi farshi, Ph.D.
Majid Mahmood Alilou, Ph.D.
Ahmad Esmaily Koraneh, M.A.

دکتر میر تقی گروسی فرشی*
دکتر مجید محمود علیلو*
احمد اسمعیلی کورانه**

Abstract

The goal of this study was to compare prisoners Personality characteristics and Coping strategies of criminal and normal individuals. The subjects were a random sample of 50 prisoners from Tabriz Central Prison in Iran who were compared with 50 normal persons. All participants completed Millon Inventory as well as Cassidy and Long Problem Solving test. The results of MANOVA showed that the two groups had significant differences in clinical scales of personality, anti-social Personality disorder, borderline, Substance dependence and alcohol dependence disorders. Also, the two groups showed significant differences in helplessness Coping strategies, monitoring and Creativity.

Keywords: personality disorder, coping style, criminal behavior

چکیده

هدف این پژوهش بررسی و مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های مقابله‌ای مجرمین با افراد بهنجار بوده است، [یافتن این مساله که آیا تفاوت‌هایی در اختلالات شخصیتی و سبک‌های مقابله‌ای افراد مجرم با افراد بهنجار وجود دارد و اینکه در صورت تفاوت کدام یک از اختلالات و سبک‌های مقابله‌ای را شامل می‌شود عواملی است که پژوهش به قصد دستیابی به آنها صورت گرفت]. در این پژوهش نمونه‌ای تصادفی شامل ۵۰ نفر از زندانیان زندان تبریز انتخاب و با تعداد ۵۰ نفر آزمودنی سالم که از نظر جنس و سن با گروه مجرم مشابه بودند، مورد مقایسه قرار گرفتند. تمام شرکت کنندگان آزمون شخصیت میلون و مهارت‌های مقابله‌ای لانگ و کسیدی را تکمیل کردند. نتایج حاصل از روش تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد بین مقیاس‌های بالینی شخصیت در دو گروه تفاوت معنادار بود. همچنین در مقیاس‌های اختلال شخصیت ضد اجتماعی، مرزی، اختلال وابسته به مواد و اختلال وابسته به الکل تفاوت معنادار بین دو گروه وجود داشت. در سبک‌های مقابله‌ای درماندگی، مهارگری و خلاقیت نیز دو گروه با هم تفاوت معنادار نشان دادند.

واژه‌های کلیدی: اختلال شخصیت، سبک مقابله، رفتار جنایی

* عضو هیأت علمی دانشگاه تبریز، تبریز بلوار ۲۹ بهمن دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی تبریز mgaroosi@yahoo.com

** کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه تبریز

مقدمه

شخصیت، تعیین کننده نمایه خاص الگوهای رفتاری فرد تعریف شده است (ستوده، میرزایی و پازند، ۱۳۸۱). رفتار جنایی^۱ که با جرم و بزه مترداف است، کنشی ارادی محسوب می‌شود و به این دلیل از شخص سر می‌زند که خود را در موقعیت مفروض مجاز به ارتکاب آن می‌داند؛ رفتاری که با هنجارها و ارزش‌های متداول جامعه مغایرت دارد (گسن، به نقل از ستوده، ۱۳۸۱). بررسی‌های بسیاری نشان داده‌اند که بزهکاران غالباً دارای مشکلات جدی شخصیتی هستند (جزایری، جعفری زاده و پورشه‌باز، ۱۳۸۲).

طبقه‌بندی شخصیت دارای پیشینه‌ای دیرین و باستانی است. بقرات بدن انسان را آمیزه‌ای از چهار خلط شامل خون، بلغم، صفرا و سودا می‌دانست. بر این اساس، جالینوس این عقیده را داشت که مردم بر حسب غلبه هر یک از چهار خلط مذکور در بدن دارای یکی از چهار مزاج صفراوی، دموی، بلغمی یا سوداوی خواهند بود. هر یک از این مزاج‌ها ویژگی‌های مخصوص خود را دارند. صفراوی مزاج‌ها تندخو، زودخشم، جاه‌طلب، برتری‌جو، حسود و ثابت قدم هستند و بیش از دیگران برای رفتار جنایی آمادگی دارند. دموی مزاج‌ها خوشگذران، خوشبین، فعال و سطحی‌نگرند. بلغمی مزاج‌ها زودآشنا، اجتماعی و کم‌فعالیتند. سوداوی مزاج‌ها مضطرب، بدبین و پر جنب و جوش هستند ولی پایداری و استقامت ندارند (کی‌نیا، ۱۳۷۴).

از نظر جرم‌شناسی^۲، تیپ استخوانی قسمت عمده از تبهکاران مالی را تشکیل می‌دهند (عبدالهادی، ۱۳۸۲). فربه‌تان بدله‌گو، خوش‌برخورد، اجتماعی، خوشگذران، خوشبین و فعال هستند. این تیپ در زمره برون‌گرایان یونگ قرار دارند. جرم‌شناسان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که در میان تبهکاران به ندرت از تیپ فربه‌تان دیده می‌شود (کی‌نیا، ۱۳۷۴). تیپ سخت‌پیکران یا تیپ عضلانی غالباً افرادی حادثه‌جو، پرخاشگر، زورگو و سیادت‌طلب هستند و از نظر جرم‌شناسی، این تیپ در بین عاملان بزهکاری علیه اشخاص و سرقت مسلحانه و حریق عمدی دیده می‌شوند (عبدالهادی، ۱۳۸۲).

به نظر شلدون یک ساختمان فرضی زیستی در انسان وجود دارد که آن را تیپ مورفوژنی یا تیپ زیستی می‌نامند. شلدون ترکیب جسمانی افراد را بر اساس سه عنصر به سه دسته اندومورف، مزومورف و اکتومورف تقسیم نمود. شلدون در مطالعات خود به این نتیجه رسید که جرم بیشتر با تیپ بدنی مزومورف و تا حدی اندومورف مرتبط است. تیپ بدنی اکتومورف در بین مجرمان کمیاب است و به ندرت دیده می‌شود. بر اساس این مطالعات شلدون به این نتیجه رسید که ساختمان بدنی و حالات روانی مجرمان با افراد غیرمجرم تفاوت دارد (ستوده، میرزایی و پازند، ۱۳۸۱، به نقل از بارتون، ۱۹۹۵).

آیسنک (به نقل از استفان، لوین و جکسون، ۲۰۰۴) معتقد است که ترکیب شرایط محیطی و عوامل عصب‌شناختی و شخصیتی باعث به وجود آمدن انواع مختلف جرم می‌شود. این فرضیه دلالت دارد بر اینکه برخی شخصیت‌ها بیش از برخی دیگر مستعد ارتکاب جرم هستند. برخلاف اکثر نظریه‌های معاصر، نظریه آیسنک تأکید زیادی بر استعداد ژنتیک برای رفتار جنایی و در نهایت رفتار ضد اجتماعی دارد. آیسنک اعتقاد نداشت که افراد مجرم متولد می‌شوند، بلکه بر این باور بود که

بعضی افراد با سیستم عصبی خاص متولد می‌شوند که با اکثریت مردم جامعه تفاوت معنادار دارند. طبق نظریه آیسنک، شخصیت عامل اصلی رفتار جنایی است؛ نقش تعیین کننده در ایجاد جرم و جنایت دارد؛ و مطالعه آن تنها روش منظم برای تبیین رفتار جنایی است.

آیسنک بر اساس یک سری مطالعات تجربی ثابت کرد که سه عامل اصلی به نامهای برون‌گرایی^۳، نوروزگرایی^۴، پسیکوزگرایی^۵ در شخصیت وجود دارد. آیسنک اعتقاد داشت که هوش یک عامل مهم در سبب شناسی جرم به حساب می‌آید اما کمتر از عوامل شخصیتی اهمیت دارد. طبق نظر آیسنک تیپ برون‌گرا، اجتماعی، تکانشی، خوش بین و هیجانی است و در برابر تغییرات محیطی سریع تغییر می‌کند. افراد برون‌گرا خیلی زود آرامش خود را از دست می‌دهند و به راحتی خشمگین و پرخاشگر می‌شوند و انسان‌های بی‌ثباتی هستند. تیپ درون‌گرا برعکس، محتاط، کم حرف و آرام است. برون‌گرا احساسات و هیجانهای خود را کنترل می‌کنند و از فعالیت‌های هیجانی، تغییرات و اکثر فعالیت‌های اجتماعی اجتناب می‌ورزند. درون‌گرا آرام هستند و پرخاشگری ندارند و ارزش زیادی برای هنجارهای اخلاقی قایلند. نوروزگرها بر اثر فشار نیازمندیهای درونی و بیرونی، شخصیتی سخت و خشن پیدا می‌کنند و به دشواری با محیط همساز می‌شوند. طبق نظر آیسنک، رفتار پسیکوزگرها بسیار شبیه افراد ضد اجتماعی است. به طور کلی ویژگی‌های این افراد عبارت است از سردی، بی‌رحمی، عدم حساسیت اجتماعی، بی‌اعتنایی نسبت به خطر، تنفر از دیگران و رفتارهای غیر عادی و عجیب.

آیسنک نشان داد افرادی که در بعد برون‌گرایی قرار دارند، نیازمند سطوح بالاتری از تحریکات محیطی هستند که این نتیجه ساختار زیستی دستگاه اعصاب آنان است. چون برون‌گرا نیاز زیادی برای هیجان و تحریک پذیری دارند و حوصله شان خیلی زود سر می‌رود، بنابراین بیشتر احتمال دارد تا ضد قانون و اجتماع عمل کنند. همچنین نوروزگرایی عامل مهمی برای جرم در افراد بزرگسال به حساب می‌آید. به طور کلی، نظریه آیسنک مبنی بر اینکه افراد مجرم و ضد اجتماع در مقیاس برون‌گرایی نمره بالاتری می‌گیرند مورد تأکید قرار گرفته است (آیسنک، ۱۹۷۷).

بررسی اختلالات شخصیت و وابستگی به مواد به عنوان پیش‌بینی کننده جنایتکاری نشان داده است که اشخاص وابسته به مواد افیونی بیشتر مرتکب جرایم می‌شوند (کارلوس و همکاران به نقل از تی هونن، ایسوهانی، راساتن، توبران و مورینگ، ۱۹۹۷). همین گزارش‌ها نشان داده اند که وابستگی به الکل و مواد رابطه بین اختلالات روانی و جرم را تسهیل می‌کنند. در پژوهشی با عنوان رابطه بین اختلال شخصیت خود شیفته و اختلال شخصیت ضد اجتماعی که در سال ۲۰۰۲ توسط وارن و همکاران در بین ۱۰۰ نفر از مجرمین انجام شد، یافته‌های آنها رابطه ای قوی بین اختلال‌های شخصیت ضد اجتماعی و خود شیفته با نوع جرم نشان داد. جرمی کوید (به نقل از آندری و اسکودول، ۱۹۹۸) گزارش کرده است که نتیجه بررسی‌ها روی ۲۶۰ نفر از افراد بهنجار و زندانی در انگلستان نشان داد که بین اختلالات شخصیت و رفتارهای جنایی رابطه وجود دارد. حدود ۶۹٪ از این نمونه دچار اختلال شخصیت مرزی بودند، همچنین اختلال شخصیت ضد اجتماعی ۵۵٪، اختلال

1- criminal behavior

2 - criminology

3- extraversion

4 - neuroticism

5- psychoticism

شخصیت خودشیفته ۴۸٪ و اختلال شخصیت پارانویید ۴۷٪ گزارش شده‌اند.

در ایران پژوهش‌های اندکی در خصوص شخصیت مجرمین صورت گرفته است. بررسی میزان شیوع اختلالات شخصیت در مجرمین زندانی شهرکرد نشان داد که میزان شیوع اختلالات شخصیت در یک نمونه ۲۱۶ نفری، حدود ۵۵/۲٪ بود، در این پژوهش، اختلال شخصیت ضد اجتماعی با ۱۸/۲٪ شایع‌ترین اختلال گزارش شده است (پالاهنگ، ۱۳۷۹ به نقل از عبدالهادی، ۱۳۸۲). همچنین در پژوهشی که توسط عبدالهادی (۱۳۸۲) تحت عنوان بررسی فراوانی اختلالات شخصیت در زنان زندانی بر روی ۲۰۰ زن مجرم صورت گرفت این نتایج به دست آمد: ۳۳/۳٪ اختلال شخصیت نمایشی، ۳۵/۵٪ اختلال شخصیت پارانویید، ۳۳٪ اختلال شخصیت اسکیزوئید، ۳۱٪ اختلال شخصیت مرزی و ۳٪ اختلال شخصیت ضد اجتماعی.

فشارهای روانی از عوامل موثر بر شکل‌گیری اختلالات می‌باشد. تمام اختلالات موجود از جهاتی با استرس در ارتباطند (شاملو، ۱۳۷۸). لازاروس (به نقل از عندلر و پارکر، ۱۹۹۳) معتقد است، استرس زمانی رخ می‌دهد که مطالبات فراتر از منابع سازشی فرد باشند. مقابله توسط نظریه‌پردازان به عنوان کوشش‌هایی برای بالابردن سازش بین شخص و محیط و یا به عنوان تلاش‌هایی برای اداره رویدادهایی که استرس زا درک می‌شوند، تعریف می‌شود (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴). مجرمین و همدستان آنها به طور کلی از کمبود مهارت‌های مقابله‌ای مناسب در مقابل حل مسائل و مشکلات خود رنج می‌برند. مهارت‌های مقابله‌ای مجرمین عمدتاً عبارتند از اجتناب، حل فوری مشکل با کمترین تفکر در مورد پیامد آن، رفتارهای پرخاشگرانه (چاباتی، ۲۰۰۱). در بررسی مک‌کرومیک، دود، کیرک و زگارا (۱۹۹۸)، بیشتر معنادین دارای راهبردهای غیر انطباقی گزارش شده‌اند. در ارتباط با شخصیت و راهبردهای مقابله‌ای فرض بر این است که شخصیت تعیین‌کننده راهبردهای مقابله‌ای است (عندلر و پارکر، ۱۹۹۶). الگوی دیگر بیان می‌دارد که شخصیت و مقابله به طور مستقل و جداگانه در شکل‌گیری ناسازگاری سهیم هستند (جزایری، جعفری زاده و پورشهباز، ۱۳۸۲). در کشور ما بررسی‌های اندکی در زمینه شخصیت مجرمین و نیز سبک‌های مقابله‌ای آنها انجام شده است. بنابراین با توجه به آنچه بیان شد، این پژوهش درصدد بررسی و مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های مقابله‌ای مجرمین و افراد بهنجار است.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش - جامعه آماری این پژوهش را کلیه زندانیان شهر تبریز تشکیل می‌دهند. آزمودنی‌های پژوهش شامل ۵۰ نفر از مردان مجرم زندان مرکزی تبریز بودند و دوران محکومیت خود را سپری می‌کردند. همچنین ۵۰ نفر از افراد سالم از جمعیت عمومی تبریز که سابقه محکومیت نداشته و از نظر متغیرهای جمعیت شناختی همچون سن، میزان تحصیلات، سطح

اجتماعی، اقتصادی، شغل و وضعیت تاهل با گروه مجرمین همسازی شده بودند انتخاب شدند. این افراد از روی آدرس محل سکونت افراد مجرم به طور تصادفی انتخاب شدند. تعداد نمونه با توجه به تحقیقات پیشین از جمله (ایرانی، ۱۳۸۳؛ جزایری، ۱۳۸۲) ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر در هر گروه) تعیین شد. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش در گروه مجرمین روش تصادفی است که از میان زندانیان شهر تبریز صورت گرفت. برای انتخاب نمونه محدودیت سنی ۲۵ تا ۴۵ در نظر گرفته شد. با توجه به حجم هر یک از طبقات جامعه پژوهشی بر اساس انتخاب روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از تعداد ۵۰ آزمودنی مجرم، تعداد ۱۵ نفر مجرم مواد مخدر، ۱۷ نفر مجرم سرقت، ۸ نفر مجرم به قتل، و ۱۰ نفر مجرم کلاهبردار انتخاب شدند. در ابتدا برای هر آزمودنی نحوه جواب دادن به سوالات توضیح داده شد. در نمونه مجرمین روش اجرا به این صورت بود که در ابتدا پرسشنامه محقق ساخته در اختیار آنها قرار گرفت. بعد از تکمیل این پرسشنامه، «مقیاس چند محوری بالینی میلون-۲ (MCMI-II)»^۱ در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت. روز بعد نیز «مقیاس حل مساله»^۲ در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت. همین طریقه اجرا در مورد آزمودنی‌های بهنجار نیز تکرار شد. آزمودنی‌ها در پاسخ دادن به سوالات کاملاً آزاد بودند و هیچ اجباری در جواب دادن به سوالات وجود نداشت.

ابزار سنجش

مقیاس چند محوری بالینی میلون-۲ (MCMI-II) - اختلال‌های شخصیت بیماران در این پژوهش بر اساس نمره‌های آنها در مقیاس چند محوری بالینی میلون-۲ تعیین شد. این مقیاس که در سال ۱۹۷۷ به وسیله میلون ساخته شد و در سال ۱۹۹۰ مورد تجدید نظر قرار گرفت، سبزه اختلال شخصیت را بر حسب ۱۷۵ ماده که به صورت «بلی» یا «خیر پاسخ داده می‌شوند، اندازه‌گیری می‌کند. این اختلال‌های شخصیتی عبارتند از اسکیزوئید، اجتنابی، وابسته، نمایشی، خودشیفته^۳، ضد اجتماعی^۴، پرخاشگر/آزارگر^۵، وسواسی-جبری، فعل پذیر- پرخاشگر^۶، خودباختگی، اسکیزوتایپ، مرزی و پارانویید. مشخصه‌های روان‌سنجی مقیاس چند محوری بالینی میلون-۲ شامل پایایی باز آزمایی^۷، همسانی درونی^۸ و اعتبار^۹ در پژوهش‌های خارجی (میلون، ۱۹۷۷، ۱۹۹۰) بررسی و مورد تایید قرار گرفته است. طبق نتایج اعتباریابی مقدماتی مقیاس چند محوری بالینی میلون-۲ در ایران، ضریب پایایی مقیاس به روش کودر-ریچاردسون ۰/۸۵ و ضریب پایایی باز آزمایی آن ۰/۸۶ گزارش شده است (خواجه موگهی، ۱۳۷۳).

مقیاس حل مساله - این مقیاس توسط کسیدی و لانگ (۱۹۹۶) طی دو مرحله ساخته شده و دارای ۲۴ سوال است که ۶ عامل را می‌سنجد و هر کدام از عوامل دربرگیرنده ۴ ماده از مواد آزمون است. این عوامل عبارتند از: بی‌یابوری^۱، مهارگری حل مساله^۱، سبک خلاقیت^۲، اعتماد در حل مساله^۳، سبک اجتناب^۴، سبک روی‌آوری^۵. مقیاس حل مساله

1-Millon Clinical Multiaxial Inventory- II

2- Problem Solving Scale

3- narcissistic

4- antisocial

5- aggressive/sadistic

6- passive-aggressive

7- test-retest reliability

8- internal consistency

9- validity

10- helplessness

11 - Problem-Solving Control

12- creativity style

13- Problem-Solving Confidence

14- avoidance style

15- approach style

جرم، میزان تحصیلات پدر و مادر توسط خود محقق طراحی شده است.

یافته ها

در گروه نمونه میانگین سنی آزمودنیهای بهنجار نسبت به گروه مجرم بیشتر است ولی این تفاوت از لحاظ آماری با استفاده از آزمون تی مستقل در هیچ سطحی معنادار نیست. ($t(93,0.05) = 0.769$ $P > 0.05$) میانگین سنی مجرمین در حدود ۳۳/۲۱ سال، انحراف استاندارد ۶/۱۳ و دامنه ۲۵ تا ۴۵ سال و میانگین سنی آزمودنیهای بهنجار ۳۴/۱۸ سال، انحراف استاندارد ۶/۲۰ و دامنه ۲۵ تا ۴۵ سال است. جدول ۱ آماره های توصیفی را برای دو گروه مجرم و بهنجار نشان می دهد.

توسط محمدی و صاحبی (۱۳۸۰) اعتباریابی شده و ضرایب آنها و میانگین همبستگی درونی ماده آزمون ها به ترتیب درماندگی (۰/۶۹ - ۰/۳۷)، مهارگری حل مساله (۰/۶۶-۰/۳۳)، سبک خلاقیت (۰/۶۳ - ۰/۲۹)، اعتماد در حل مساله (۰/۷۲ - ۰/۳۹)، سبک اجتناب (۰/۵۳ - ۰/۲۱)، سبک گرایش (۰/۳۷ - ۰/۲۰) مشخص شده است. با توجه به اینکه ضرایب آلفا بالاتر از ۰/۵۰ هستند (جز سبک گرایش) و میانگین آلفا برابر با ۰/۶۰ می باشد و همچنین با توجه به میانگین همبستگی درونی ماده آزمون ها، این مقیاس از پایایی لازم برخوردار است.

پرسشنامه محقق ساخته - این پرسشنامه برای دریافت اطلاعات دموگرافیکی مانند سن، جنس، سطح تحصیلات و شغل، وضعیت تأهل، نوع

جدول ۱- داده های توصیفی آزمودنی هادردو گروه مجرم و بهنجار

متغیر	مجرم	بهنجار	کل
	فراوانی	درصد	فراوانی
تاهل	۳۴	۷۲/۳	۶۷
متاهل	۱۳	۲۷/۷	۲۸
مجرد	۲	۴/۳	۲
تحصیلات	۹	۱۹/۱	۱۴
ابتدایی	۲۶	۵۵/۳	۴۰
راهنمایی	۸	۱۷	۳۵
دیپلم	۲	۴/۳	۴
دانشگاهی	۲۷	۵۷/۴	۵۰
شغل	۱۷	۳۶/۲	۲۷
آزاد	۳	۶/۴	۸
بیکار	۰	۰	۱۰
کشاورز	۰	۰	۱۰
کارمند	۰	۰	۱۰

پرخاشگر^۱، پرخاشگر/آزارگر^۲، در دو گروه مجرم و بهنجار تفاوت معنادار است. در مقیاس اختلال شخصیت اجباری بین دو گروه تفاوت معنادار نیست. نتیجه اینکه بین دو گروه در مقیاس های شخصیتی تفاوت وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون لامبدای ویلکز ($P < 0.001$) برای مقیاس های شخصیتی تفاوت را نشان می دهد. F مشاهده شده بیانگر تفاوت معنادار دو گروه است. نتایج آزمون تحلیل واریانس در جدول شماره ۲ آمده است. چنانکه ملاحظه می شود بین اختلالات شخصیت اسکیزوئید^۱، اجتنابی^۲، وابسته^۳، نمایشی^۴ و خودشیفته^۵، ضداجتماعی^۶، فعل پذیر-

- 1- schizoid
- 2- avoidant
- 3- dependent
- 4- histrionic

- 5- narcissistic
- 6- antisocial
- 7- passive-aggressive
- 8- aggressive-sadistic

جدول ۲- نتایج تحلیل واریانس برای مقیاس‌های شخصیتی مجرمین و گروه بهنجار

منبع	مقیاس	مجموع مجزورها	درجه آزادی	میانگین مجزورها	F	سطح معناداری
گروه	اسکیزوبیید	۲۹۸۶/۳۷	۱	۲۹۸۶/۳۷	۱۷/۳۴	./۰۰۰
	اجتنابی	۵۹۸۵/۳۷	۱	۵۹۸۵/۳۷	۱۲/۲۶	./۰۰۱
	وابسته	۵۰۱۵/۴۹	۱	۵۰۱۵/۴۹	۱۶/۹۵	./۰۰۰
	نمایشی	۲۳۲۲/۶۰	۱	۲۳۲۲/۶۰	۹/۳۳	./۰۰۳
	خود شیفته	۹۰۰۴/۰۹	۱	۹۰۰۴/۰۹	۲۳/۷۴	./۰۰۰
	ضد اجتماعی	۲۲۳۵۲/۳۳	۱	۲۲۳۵۲/۳۳	۹۰/۴۰	./۰۰۰
	آزارگری	۶۸۹۱/۶۵	۱	۶۸۹۱/۶۵	۲۳/۶۸	./۰۰۰
	وسواسی - جبری	۲۸۶/۱۳	۱	۲۸۶/۱۳	۱/۲۰	./۲۷۶
	فعل پذیر - پرخاشگر	۱۰۰۶۸/۰۶	۱	۱۰۰۶۸/۰۶	۲۸/۸۴	./۰۰۰
پرخاشگر / آزارگر	۳۳۵۲/۷۵	۱	۳۳۵۲/۷۵	۱۴/۳۹	./۰۰۰	

جدول ۳ آمده است. چنانکه ملاحظه می‌شود بین اختلالات شخصیت اسکیزوتایپال، مرزی، پارانوئید^۳ در دو گروه مجرم و بهنجار تفاوت معنادار است.

نتایج حاصل از آزمون لامبدای ویلکز برای الگوهای بیمارگون شخصیت (P<۰/۰۰) تفاوت را نشان می‌دهد. F مشاهده شده در این آزمون بیانگر تفاوت معنادار دو گروه است. نتایج آزمون تحلیل واریانس در

جدول ۳- نتایج تحلیل واریانس برای الگوهای بیمارگون شخصیت مجرمین و گروه بهنجار

منبع	مقیاس	مجموع مجزورها	درجه آزادی	میانگین مجزورها	F
گروه	اسکیزوتایپال	۸۵۰۲/۱۴	۱	۸۵۰۲/۱۴	./۰۰۰
	مرزی	۱۰۳۲۲/۳۷	۱	۱۰۳۲۲/۳۷	./۰۰۰
	پارانوئید	۷۴۱۲/۱۸	۱	۷۴۱۲/۱۸	./۰۰۰

می‌دهد. این نتایج نشان می‌دهند که بین گروه مجرم و بهنجار در نشانگان بالینی تست میلون در اختلال اضطراب، اختلال جسمانی کردن، اختلال آشفتگی - افسردگی، اختلال افسرده خویی، وابستگی به الکل و وابسته به مواد تفاوت معنادار است.

نتایج حاصل از آزمون لامبدای ویلکز برای نشانگان بالینی (P<۰/۰۰) تفاوت را نشان می‌دهد. F مشاهده شده در این آزمون بیانگر تفاوت معنادار بین دو گروه است. جدول ۴ نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس را برای نشانگان بالینی در بین دو گروه مجرم و بهنجار نشان

جدول ۴- نتایج تحلیل واریانس برای نشانگان بالینی مجرمین و گروه بهنجار

منبع	مقیاس	مجموع مجزورها	درجه آزادی	میانگین مجزورها	F	معناداری
گروه	اضطراب	۱۷۰۲۰/۸۹	۱	۱۷۰۲۰/۸۹	۵۰/۴۶	./۰۰۰
	جسمانی کردن	۳۵۰۸/۸۷	۱	۳۵۰۸/۸۷	۱۴/۵۰	./۰۰۰
	آشفتگی - افسردگی	۱۲۴۲/۸۸	۱	۱۲۴۲/۸۸	۵/۸۳	./۰۱۸
	افسرده خویی	۱۹۹۱۲/۳۶	۱	۱۹۹۱۲/۳۶	۶۲/۸۷	./۰۰۰
	وابسته به الکل	۱۷۰۷۶/۱۷	۱	۱۷۰۷۶/۱۷	۹۳/۷۶	./۰۰۰
	وابسته به مواد	۱۷۱۸۳/۶۰	۱	۱۷۱۸۳/۶۰	۷۷/۶۳	./۰۰۰

نتایج نشان می‌دهند که بین گروه مجرم و بهنجار در شیوه های مقابله ای در سبک های درماندگی و مهارگری و خلاقیت تفاوت معنادار است. نتیجه اینکه بین سبک های مقابله مجرمین و افراد بهنجار تفاوت وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون لامبدای ویلکز برای سبکهای مقابله ($P < .001$) تفاوت را نشان می‌دهد. F مشاهده شده در این آزمون به طور کامل معنادار است. جدول ۵ نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس دوطرفه را برای سبکهای مقابله بین دو گروه مجرم و بهنجار نشان می‌دهد. این

جدول ۵- نتایج تحلیل واریانس برای سبکهای مقابله مجرمین و گروه بهنجار

منبع	سبک	مجموع مجزورها	درجه آزادی	میانگین مجزورها	F	معناداری
گروه	بی یاوری	۲۸/۲۴	۱	۲۸/۲۴	۳۰/۵۶	۰/۰۰۰
	مهارگری	۵۵/۲۹	۱	۵۵/۲۹	۷۰/۵۵	۰/۰۰۰
	خلاقیت	۳/۷۱	۱	۳/۷۱	۶/۷۰	۰/۰۱۱
	اعتماد	۲/۲۷	۱	۲/۲۷	۱/۸۷	۰/۱۷۴
	اجتناب	۷/۳۹	۱	۷/۳۹	۱/۵۷۷	۰/۴۴۹
	روی آوری	۷/۷۷	۱	۷/۷۷	۲/۳۱	۰/۱۳۲

بررسی و تفسیر نتایج

این پژوهش در کل ویژگی های شخصیتی و سبک های مقابله ای مجرمین در مقایسه با افراد بهنجار را مورد بررسی قرار می‌دهد. درمقایسه مقیاس های اختلالات شخصیت در مجرمین و افراد بهنجار نتایج نشان دادند که بین مقیاس های اختلالات شخصیت اسکیزوئید، وابسته، آزارگری، اجتنابی، خودشیفته، نمایشی، ضداجتماعی، منفعل-پرخاشگر، خودآزارگری، تفاوت معناداری وجود دارد.

نتایج این مطالعه با یافته های هادی نژاد (۱۳۸۱) پالاهنگ (۱۳۷۹) به نقل از عبدالهادی (۱۳۸۲)، وارن و همکاران (۲۰۰۲)، تی هون و همکاران (۱۹۹۷) سایگاردسون و گادجانسون (به نقل از عامری، ۱۳۸۱) همسوئی دارد. ولی برای مقیاس اجباری در پرسشنامه میلیون میانگین نمرات گروه بهنجار در مقایسه با مجرمین بالاتر بود. با توجه به توصیف مقیاس اخیر و خصایصی که این مقیاس بررسی می‌نماید این یافته قابل پذیرش می‌باشد و با یافته ایرانی (۱۳۸۳) همسوئی دارد. افراد مبتلا به اختلالات شخصیت در گروه B غالباً هیجانی، بازیگر و بی‌ثبات به نظر می‌رسند. دارای اختلال شخصیت ضد اجتماعی دارای ویژگی هایی مانند دروغگویی، فرار از مدرسه و منزل، دزدی، نزاع و استفاده از سوء مصرف مواد و رفتارهای غیر قانونی هستند. یکی از خصوصیات اصلی این افراد فقدان پیشیمانی برای اعمالی است که انجام می‌دهند. این ویژگی ها (بی پروایی، عدم وجدان و نیز تحریک پذیری) احتمال رفتار جنایی را افزایش می‌دهد (وارن و همکاران، ۲۰۰۲). اکثر مجرمینی که پس از محکومیت دوباره مرتکب جرم می‌شوند، دارای شخصیت اسکیزوئید هستند. در واقع اینان را جانی اعتیادی یا تبهکاران حرفه ای نیز می‌نامند، زیرا ضمن خطرناک بودن، خواص ارتکاب جرم در این افراد فطری نیست بلکه به سابقه عادت، مرتکب جرم می‌شوند (ستوده و همکاران، ۱۳۸۱). افراد دارای اختلال شخصیت نمایشی رفتار توجه طلبانه بارزی نشان می‌دهند. این قبیل افراد برای مورد توجه قرار گرفتن دست به خرافکاری می‌زنند و اغلب هیاهو و جنجال بر می‌انگیزند و از کسب این قبیل شهرت ها ارضا می‌شوند. همچنین افراد دارای اختلال شخصیت خودشیفته احساس بیگانه وار نسبت به اهمیت

خوشتن، خودبزرگ بینی، فقدان همدردی و همدلی، تحریک پذیری و بی پروایی را دارند و در واقع این خصوصیات، این افراد را مستعد انجام دادن رفتارهای تهاجمی و جنایی می‌کند و در اکثر تحقیقات مشخص شده که خودشیفتگی بهترین پیش بینی کننده جرم است (وارن و همکاران، ۲۰۰۲).

دومین مورد پژوهشی مقایسه الگوهای بیمارگون شخصیت در دو گروه مجرم و بهنجار بود. نتایج تحقیق نشان داد که گروه مجرم در سه مقیاس اسکیزوتایپال، مرزی و پارانوئید با گروه بهنجار تفاوت معناداری دارند. این یافته با یافته های عبدالهادی (۱۳۸۲)، بهرامی (۱۳۷۷)، فاضل و دانش (۲۰۰۲) به نقل از عبدالهادی (۱۳۸۲) تی هون و همکاران (۱۹۹۷)، جرمی کوید (به نقل از آندری و اسکودول، ۱۹۹۸) همسوئی دارد. افراد دارای اختلال شخصیت پارانوئید با برون سازی هیجانات خود و استفاده از مکانیسم دفاعی فرافکنی تکانه ها و افکار نامقبول خود را به دیگران نسبت می‌دهند. افراد دچار این اختلال در این اندیشه اند که موجودیت و شخصیت آنان مورد تهدید است و برای اینکه مورد حمله قرار نگیرند قبلاً خود به دیگران حمله می‌کنند و سعی دارند از طردشدگی و در نتیجه لطمه وارد شدن به حیثیت و اعتبار خود جلوگیری نمایند (کاپلان و سادوک، ۱۹۹۵) این افراد ممکن است که اقدام به رفتار های خودآزارانه نمایند، یا ابراز خشم کرده و یا خود را به طریقی از عواطف غیرقابل مقاومت رها سازند. این افراد به دلیل فقدان کنترل تکانه های ناخودآگاه (خسونت، سکس، وابستگی، نفرت) به تنش روانی مبتلامی شوند و برای غلبه به آن به الکل پناه برده و به داروهای غیرمجاز و یا رفتار های انحرافی چون دزدی، خسونت، هرزگی جنسی، قمار و سوء مصرف مواد روی می‌آورند (روزنهان، ۲۰۰۲) به نقل از کاستلو).

سومین مورد پژوهشی مقایسه نشانگان بالینی مجرمین با افراد بهنجار بود که نتایج حاصله تفاوت معناداری را در بین هر دو گروه نشان می‌دهد. در نتیجه مقایسه دو گروه افراد مجرم در مقیاس های وابسته به الکل و وابسته به مواد نمرات بالاتری از افراد بهنجار کسب کردند. این یافته با یافته های فاضل و دانش به نقل از عبدالهادی (۱۳۸۲)

بهرامی (۱۳۷۷)، عبدالهادی (۱۳۸۲) تی‌هونن و همکاران (۱۹۹۷) کوت و هودینگ (۱۹۹۰) کارلوس و همکاران (۲۰۰۰) همسوئی دارد. در تبیین این مسئله می‌توان گفت که هرگونه انحراف از شخصیت بهنجار می‌تواند مجموعه‌ای از دفاع‌ها را در فرد موجب شود. برای مثال؛ بیماران مبتلا به اختلال شخصیت پارانوئید از فرافکنی استفاده می‌کنند و اختلال شخصیت اسکیزوئید با کناره‌گیری همراه است. می‌توان گفت مجرمین با نمرات معنادار در مقیاس‌های شخصیت از مواد مخدر و الکل به عنوان یک مکانیزم دفاعی در برابر اضطراب، افسردگی و تکان‌هایشان استفاده می‌کنند. فرمول‌بندی‌های روان‌تحلیل‌گری در سبب‌شناسی اختلالات شخصیت بر این عقیده است که دلایل گرایش به الکل و سایر مواد اعتیاد آور وجود ناکامی‌های بیرونی و یا بازداری درونی است. به گونه‌ای که فرد جرأت فعالیت مجدد سوپرایگو را بدون عضو کمکی ندارد (ایرانی، ۱۳۸۳). با توجه به این تفسیر کوهات عقیده دارد که مواد به صورت جانشین دفاع‌ها در ساختار روانی عمل کرده و به معتاد کمک می‌کند تا با خشم و شرم و آسیب و تنهایی خود کنار بیاید. به عبارت دیگر وابستگی به الکل و مواد ممکن است رابطه بین اختلالات روانی و جرم را تسهیل کند (وارن و همکاران، ۲۰۰۰). همچنین نتایج حاکی از آن است که میزان اضطراب و افسردگی در میان مجرمین در سطح بالاتری قرار دارد. اما آنچه که در اینجا می‌تواند مورد توجه قرار گیرد این است که این مساله امکان دارد ناشی از محکومیت و شرایط موجود در زندان باشد. به عبارت دیگر ممکن است این مسائل بعد از ورود به محیط زندان مجرمین را درگیر ساخته باشد نه قبل از آن. به هر حال در این مورد باید مطالعات دقیق‌تری صورت گیرد. مطالعه همسو با این نتیجه یافت نشد.

یافته چهارم مقایسه سبک‌های مقابله‌ای مجرمین با افراد بهنجار بود که نتایج حاصله نشان داد که افراد مجرم در سه مقیاس درماندگی، مهارگری و خلاقیت با افراد بهنجار تفاوت معناداری داشتند. یافته‌های پژوهشی نشان داد که مجرمین از راهبردهای مقابله‌ای حل مساله غیرسازنده بیشتر از افراد سالم استفاده می‌کنند. این افراد همچنین در مقایسه با گروه بهنجار به میزان کمتری راهبردهای حل مساله سازنده را بکار می‌گیرند. به بیان دیگر چون سبک‌های مقابله‌ای افراد بیشتر تحت تاثیر وقایع و مهارت‌های آموخته شده دوران کودکی می‌باشد، این امکان وجود دارد که افراد مجرم در گذشته در معرض تجارب آسیب‌زا قرار گرفته و خود این تجارب آسیب‌زا منجر به نشانگان روانشناختی مرضی می‌شود و این مسائل باعث می‌شوند که مجرمین بیشتر آسیب‌پذیر باشند. البته محیط زندان به خودی خود استرس آور هست و این محیط در بسیاری از زندانیان تجارب اولیه منفی را در آنها ایجاد می‌کند هنگامیکه آنها وارد محیطی استرس آور بنام زندان می‌شوند، نشانه‌های روانشناختی از ضربه‌های اولیه زندگی مانند خاطرات مخرب، انکار، و بی‌حسی عاطفی عود پیدا می‌کنند. این پاسخ‌های عاطفی باعث افزایش آسیب‌پذیری به خشونت و چرخه تکرار تجارب و ضربه‌های آسیب‌زا و پاسخ به آنها می‌شود (چابوتی، ۲۰۰۱). در این زمینه، پژوهشی که سبک‌های مقابله‌ای مجرمین با افراد بهنجار را مقایسه کند پیدا نشد و تحقیقات صورت گرفته بیشتر سبک‌های مقابله‌ای معتادین با افراد بهنجار را مورد مقایسه قرار داده‌اند، که نشان داده‌اند معتادین از سبک‌های مقابله‌ای غیرسازنده استفاده می‌کنند. البته لازم به ذکر است که بیشتر مجرمین وابستگی به موادرا دارا بودند. با توجه به مولفه‌های حل مساله غیرسازنده (درماندگی، مهارگری حل مساله، و سبک اجتناب) نتیجه می‌شود که این افراد به جای تمرکز بر مشکل و حل آن، بیشتر در پی آن هستند تا پیامدهای هیجان‌های

منفی عامل استرس‌زا را مهار کنند. این یافته همچنین مشخص کرد که مجرمین از راهبردهای مقابله‌ای حل مساله سازنده کمتر از افراد سالم استفاده می‌کنند. با توجه به مولفه‌های حل مساله سازنده (سبک خلاقیت، اعتماد در حل مساله، سبک گرایش) مشخص می‌گردد که مجرمین در رویارویی با مساله از اعتماد به نفس کمتری برخوردار بوده، نسبت به مشکلات نگرش مثبت کمتری نشان می‌دهند، تمایل کمی به مقابله و رویارویی با مشکلات نشان می‌دهند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان نتیجه گرفت که مجرمین از میزان کمتری از ابعاد شخصیتی مثبت و بهنجار برخوردار بوده، الگوهای ناپه‌نجار و نشانگان بالینی شدیدتری از اختلالات شخصیت را نشان داده‌اند، راهبردهای مقابله‌ای در این افراد بیشتر ناکارآمد و غیرسازنده است. نتایج تحقیق حاضر در عرصه‌های گوناگون می‌تواند به کار گرفته شود. نتایج پژوهش حاضر دو وظیفه را در مقابل روانپزشکان، روان‌شناسان، کارشناسان بهداشت روانی و کلیه سازمان‌های زیربند در برخورد با مشکل جرم قرار می‌دهد. درمان‌گرانی که به درمان مجرمین می‌پردازند، لازم است که یک ارزیابی شخصیتی جامع از این افراد به عمل آورند و سازه‌های شخصیتی تحتانی مختل رشد یافته را در هر فرد مجرم شناسایی نمایند و در کنار حمایت‌های دیگر به درمان اختلالات شخصیتی افراد مجرم نیز اقدام نمایند. از طریق روان‌درمانی خصوصاً از نوع روان‌درمانی گروهی مجرمین می‌توانند رشد، بینش و بصیرت بیشتری نسبت به خود پیدا کنند. همچنین روان‌درمانی می‌تواند حالت دفاعی و روحیه منفی و سوءظن را در این افراد کاهش داده و از به کار بردن کلمات زشت و زنده‌خودداری کند. الگوی مقابله با استرس مجرمین که یک روش ناسالم در رویارویی با شرایط فشارزا است باید به کمک آموزش مهارت‌های مقابله‌ای تصحیح شود.

عدم امکان مصاحبه بالینی با افراد زندانی، عدم حضور زنان در نمونه‌گیری و نیز همسان نبودن مجرمین از محدودیت‌های این تحقیق است. داده‌های پژوهش حاضر بوسیله پرسشنامه‌های خودسنجی جمع‌آوری شده است که همانند تمامی پژوهش‌های گذشته نگر پاسخ‌آمودنی‌ها ممکن است دارای سوگیری باشد. پیشنهاد می‌شود بررسی‌های دیگری در سایر مناطق جغرافیایی و در صورت امکان با به کارگیری نمونه زنان مجرم انجام شود. همچنین برای بدست آوردن نتایج با تعمیم‌پذیری بیشتر پیشنهاد می‌شود از مصاحبه‌های بالینی ساخت یافته در کنار آزمون‌های بالینی (پرسشنامه میلون) استفاده گردد.

مراجع

- آیسنک، اچ. جی. (۱۹۷۵). جرم و شخصیت. ترجمه شریفی، حسن پاشا و نجفی زند، جعفر (۱۳۷۵). تهران. چاپ اول. انتشارات سخن.
- ایرانی، س. (۱۳۸۳). مقایسه صفات شخصیتی، اختلالات شخصیت و راهبردهای مقابله‌ای بیماران با اختلال وابستگی به موادو گروه بهنجار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز.
- بهرامی، ه. (۱۳۷۷). بررسی میزان شیوع اختلالات روانی بین زندانیان و مقایسه آن با افراد عادی. طرح پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی.
- جزایری، علیرضا؛ جعفری‌زاده ذبیح ...؛ پورشهباز، عباس (۱۳۸۲). بررسی و مقایسه ارتباط بین مولفه‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای در معتادان به تریاک ۳۶-۳۰ ساله. فصلنامه اعتیاد پژوهی، ۱۳۸۲، ۳-۱۷.
- خواجه موگهی، ناهید (۱۳۷۳). آماده سازی مقدماتی فرم فارسی پرسشنامه چند محوری میلون در تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی. انیستیتو روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران.

- دلاور، علی (۱۳۷۷). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات آبیژ.
- روزنهران، دی؛ سیلگمن.ام (۱۳۸۳). آسیب شناسی روانی(روان شناسی نا بهنجاری). ترجمه سیدمحمدی، یحیی چاپ سوم. تهران: نشر ارسباران.
- ستوده، ه؛ میرزایی، ب؛ و پازند، ا. (۱۳۸۱). روان شناسی جنایی. تهران: انتشارات آوای نور.
- شاملو، سعید (۱۳۷۸) بهداشت روانی. تهران: انتشارات رشد.
- عامری، ک. (۱۳۸۱). بررسی رگه‌های شخصیتی دو نظام کلونینگر و آیزنگ در دو گروه معتاد و غیر معتاد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- عبدالهادی، بشری (۱۳۸۲). بررسی فراوانی اختلالات شخصیتی در زنان زندانی شهر تهران و کرج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- کی نیا، مهدی (۱۳۷۴). روانشناسی جنایی. جلد دوم تهران: انتشارات رشد.
- کاپلان، اچ؛ سادوک، ب. (۱۳۸۳). خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری روانپزشکی بالینی. ترجمه پورافکاری، نصرت الله. تهران: انتشارات آزاده
- محمدی، ف؛ صاحبی، علی (۱۳۸۰). بررسی سبک های حل مساله در افراد افسرده و مقایسه آن با افراد عادی. مجله علوم روانشناختی. جلد اول شماره ۱ و ۲. ۴۲-۲۴
- نادری، عزت ا... و سیف نراقی، مریم (۱۳۸۲). روان شناسی کودکان عقب مانده ذهنی و روش های آموزش آنها، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت
- Andre, W., & Skodol, E. (1998). Psychopathology and violent crime. American Psychiatric Press.
- Carlos, A., Hernandez, A., Joseph, A. & Burleson, J. P. (2000). Personality and substance use disorders as predictors of criminality. Comprehensive Psychiatry. 41, no.4: 276-283.
- Cassidy, T., & Lang, C. (1996) Problem-solving style, stress and psychological illness. British Endler, N. & Parker, J. D. A (1993). Multidimensional assessment of coping: critical evaluation. Journal of Personality and Social Psychology, 58. 844-854.
- Endler, N., & Parker, I. D. A. (1996). Multi-dimensional assessment of coping critical evaluation. Journal of Personality and Social Psychology. 55, 844-854
- Hodings, S., & Cote, G. (1990). Major mental disorder and antisocial personality disorder: A criminal combination. Bulletin of the American Academy of Psychiatry and the Law, 21, 155-160.
- Kaplan H, & Sadock B. (1997). Comprehensive Textbook of psychiatry. Willams & Wilkins.
- Lazarus R. S., & Folkman S.(1984). Coping and adaption. In Gentry W. D. (Ed). Handbook of Behavioral Medicine. Gilford press.
- McCromick, R. A., Dwod, E. T., Quirk, S. & Zegara, J. H. (1998). The relation of NEO personality-PI performance to coping styles patterns of use, and triggers for use among substance abusers. Journal Addict Behavior, 23(4), 497-507.
- Stephan, Z. L. & Chirs J. J. (2004). Eysenck theory of crime revisited: factors or primary scales? British Psychological Society, 9,135-152.
- Tiihonen, J., Isohanni, M., Rasanen, P., Koiranen, M. & Moring, J. (1997). Specific major mental disorders and criminality: a 26-year prospective study of the 1966 Northern Finland Birth Cohort. American Journal of Psychiatry. 154: 840-845.
- Warren, J. I., Burnette, M., South, S. C., Chaauhan, P., & Friend, R.,(2002). the Relationship between narcissitic and antisocial personalities. Saint Bonaventure University.
- Chubaty, D. E. (2001). victimization , fear, and coping in prison. Doctoral thesis, Winnipeg, MB: University of Manitoba.